

در حوزه انرژی ارائه داده است. البته مادورو جزئیاتی از نحوه ارائه این کمک‌ها ارائه نکرد.

ایالات متحده به خوبی می‌داند که اختلال در واردات انرژی می‌تواند به بروز بی‌ثباتی اجتماعی در کوبا دامن بزند. اعتراضات در سراسر کوبا در حال ظهور است، زیرا مردم کوبا فشار خاموشی‌های مکرر را تحمل می‌کنند. برخی از نوبت‌های خاموشی در کوبا تا ۲۰ ساعت طول می‌کشد. اقدامات قبلی دولت آمریکا علیه کوبا، نظیر اعمال محدودیت در ورود گردشگر به کوبا و جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور، اقتصاد کوبا را تحت فشار قرار داده است. این مسئله موجب شده جامعه کوبا مستعد اعتراضات گسترده باشد. دولت کوبا به وضعیت بد اقتصادش معترف است اما تقصیر را به گردن آلفاندرو گیل، وزیر اقتصاد انداخته و او را بازداشت و محاکمه کرده و به اتهام ارتکاب فساد و اقدام علیه امنیت اقتصادی کوبا، به حبس ابد محکوم کرده است. اما بدیهی است که این بگیر و ببندها، مشکل کوبا را حل نخواهد کرد.

تا امروز، کوبا موفق شده از بروز هر اعتراضی که قادر به به چالش کشیدن دولت مرکزی باشد، جلوگیری کند. اما هر چه زمان به این شکل می‌گذرد و هر چه ساختار اقتصادی کوبا بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرد، ماندن در قدرت برای دولت فعلی کوبا، سخت‌تر و سخت‌تر خواهد شد. منابع انرژی کوبا به شدت در معرض خطر هستند، بنابراین شریان حیاتی کوبا برای بهبود وضعیت اقتصادی در حال قطع شدن است.

شاید پرسید که چین و روسیه که اینقدر به کوبا نزدیک هستند برای نجاتش چه کرده‌اند؟ مسلماً چین و روسیه به سرپا نگه داشتن دولت کوبا کمک کرده‌اند، اما سرمایه مالی و سیاسی آنها برای تامین همه نیازهای کوبا کفایت نمی‌کند. ضمن اینکه بعید است چین روسیه بر سر کوبا، به رویارویی با ایالات متحده‌ی دونالد ترامپ برخیزند. این رویارویی، میدان نبردی است که آنها به محض ورود به آن، خیلی چیزها را در حوزه‌های دیگر از دست خواهند داد و فشار مضاعفی را از سوی واشنگتن محتمل خواهند شد. به موازات همه این فشارها بر ونزوئلا و کوبا، دولت آمریکا به شدت تلاش می‌کند دسترسی مردم کوبا به اینترنت پرسرعت و بدون فیلتر را بیشتر کند. ترامپ در دولت نخستش نیز دست به این کار زده بود.

بنابراین توقیف نفت‌کش‌های ونزوئلا تنها با هدف فشار بر دولت مادورو و تغییر دولت در این کشور، بلکه با هدف فلج کردن اقتصاد کوبا و تغییر دولت در این کشور، انجام می‌شود. در واقع این استراتژی به قول ما ایرانی‌ها یک تیر دو نشان است. البته بعید نیست که در آینده به استراتژی یک تیر سه نشان نیز تبدیل شود. باید منتظر ماند و دید که هدف سوم کدام کشور منطقه کارآیپ است.



سیاستمداران



سفر فیدان به سوریه

«هاکان فیدان»، وزیر خارجه ترکیه به همراه «یشار گولر» و «ابراهیم گالن» وزیر دفاع و رئیس سازمان اطلاعات این کشور وارد دمشق شد. وزارت خارجه ترکیه در بیانیه‌ای اعلام کرد که در این سفر درباره اجرای توافق دهم مارس (میان دولت موقت سوریه و نیروهای قسد) که به‌طور مستقیم با امنیت ملی ترکیه مرتبط است، رایزنی خواهد شد. در این بیانیه تاکید شده است: هیئت ترکیه در سفر به دمشق درباره خطرات امنیتی در جنوب سوریه در پی تجاوزهای رژیم اسرائیل رایزنی خواهد کرد. فیدان پیشتر تاکید کرده بود: سوریه در مرحله جدیدی به سر می‌برد و برای تضمین تهدید نشدن از سوی کشورهای مجاور و حفظ وحدت و یکپار چگی در آن با کشورهای عربی بحث و تبادل نظر کردیم.



انتقاد از تحریم‌های روسیه

نخست‌وزیر مجارستان در واکنش به اثر عکس تحریم‌هایی که در اتحادیه اروپا علیه مسکو به اجرا درآمده است، عنوان کرد که «تصمیمات بد»، اروپا را نابود کرد. ویکتور اوربان در پستی در شبکه ایکس نوشت: بروکسل وعده داده بود تحریم‌ها، روسیه را نابود خواهد کرد. در عوض، تحریم‌ها اروپا را نابود کردند. در ادامه این پست با اشاره به تبعات تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه در واکنش به جنگ اوکراین، آمده است: قیمت انرژی به شدت افزایش یافت، رقابت‌پذیری از بین رفت و اروپا عقب مانده است. نخست‌وزیر مجارستان تاکید کرد: این هزینه تصمیمات بد است. مذاکره لازم است، نه تشدید تنش. پارلمان اروپا در تازه‌ترین اقدام برای کاهش وابستگی به مسکو و در راستای اقدامات ضرروسی که با آغاز جنگ اوکراین شدت گرفت، طرح توقف تدریجی واردات گاز از روسیه را تا پایان سال ۲۰۲۷ میلادی (۱۴۰۶ شمسی) تصویب کرد.



محکومیت شهرک‌سازی‌ها

انگلیس شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در کرانه باختری را محکوم کرد و هشدار داد که این اقدام چشم‌انداز صلح و امنیت طولانی‌مدت را تضعیف می‌کند. همیش فالکونر معاون وزیر خارجه انگلیس در امور خاورمیانه باامداد دوشنبه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: انگلیس تصویب احداث ۱۹ شهرک جدید در فلسطین توسط دولت اسرائیل را محکوم می‌کند. وی افزود: این اقدام طبق قوانین بین‌الملل، غیرقانونی است و طرح ۲۰ ماده‌ای (دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا) و چشم‌انداز امنیت و صلح طولانی‌مدت تضعیف می‌کند. کانال ۱۴ تلویزیون رژیم صهیونیستی یکشنبه با طرح ساخت ۱۹ شهرک صهیونیست‌نشین در کرانه باختری موافقت شده است. پیشتر برال اسموترچ وزیر دارایی رژیم اسرائیل طرح خود را برای قانونی کردن ۱۹ شهرک جدید در کرانه باختری به اعضای کابینه ارائه داد و آنها با این طرح موافقت کردند. کانال ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی گزارش داد، برخی از شهرک‌هایی که مورد موافقت قرار گرفته‌اند، کاملاً جدید هستند و برخی دیگر از آنها نیز شهرک‌هایی هستند که برای سازماندهی قانونی، مشمول مقررات و قوانین اسرائیل خواهند شد. پس از اشغال کرانه باختری رود اردن و قدس شریف در سال ۱۹۶۷ توسط رژیم اسرائیل، این رژیم صدها شهرک صهیونیست‌نشین در این مناطق ساخته است.

نگاه تحلیلیگر

GPF | GEOPOLITICAL
FUTURES

سراب ادغام سوریه و لبنان

چرا پیشنهاد تام باراک، فرستاده ویژه ترامپ به سوریه و لبنان عملی نیست؟

دولت لبنان تعداد زیاد سوری‌ها در لبنان را یک تهدید امنیتی و سیاسی بزرگ برای خودش می‌داند.

▼ سوریه امروز

پس از بیش از شش دهه حکومت بر سوریه، خاندان اسد جامعه مدنی این کشور را نابود کردند و تکثر سیاسی در سوریه را از اساس از بین بردند. آنها ابراز نظر سیاسی را سرکوب کردند و در خواست‌های فرقه‌های قومی و مذهبی سوریه برای مشارکت در سیاست را در نطفه خفه کردند. اسداها از اقلیت علوی برای تسلط بر دستگاه امنیتی سوریه استفاده کردند. کنترل آنها مانع از ابراز نظرات سیاسی مردم شد. در مقابل، مردم لبنان نسبت به هر شهروند دیگری در جهان عرب، از میزان بیشتری از ابراز وجود برخوردار بوده و آزادی‌های سیاسی‌شان بسیار بیشتر است. حالا دیگر مشخص شده است که علویان از زمان برکناری بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴، به‌طور فزاینده‌ای نسبت به سوءاستفاده‌های جدی علیه خود و رفتار بد نیروهای امنیتی دولت احمد الشرع عصبانی هستند. آنها با صدای بلند خواستار ایجاد یک سیستم فدرال شده‌اند و حتی حاضرند برای رسیدن به خواسته خود دست به شور ش بزنند. اقدامات خشونت‌آمیز در غرب سوریه علیه علویان افزایش یافته است. حتی مسیحیان نیز به اتهام همکاری با رژیم سابق سوریه هدف قرار گرفته‌اند. با وجود اینکه احمد الشرع می‌داند که ایالات متحده در خصوص بدرفتاری با مسیحیان سوریه حساسیت دارد اما ظاهراً نمی‌تواند نیروهایی که ظاهراً تحت فرماندهی اش هستند را مهار کند.

ناظران محلی آشنا با اوضاع در امتداد سواحل سوریه می‌گویند که برخی از نزدیکان اسد در حال تشکیل و سازماندهی شبه‌ظامیان علوی هستند و معتقدند که دولت سوریه در آستانه فروپاشی است. پس از قتل عا‌م‌های انجام‌شده علیه علویان در ماه مارس، رهبران بر جسته جامعه علوی از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، خواستند که از آنها محافظت کند؛ همانطور که از دروزی‌ها در سوریه محافظت کرد. سوریه با خطر تجزیه سرزمینی بالقوه روبه‌رو است. کردها در حال حاضر ۲۵ درصد از این کشور را تحت کنترل خود دارند و همچنان تسلیم اقتدار دولت مرکزی سوریه نمی‌شوند. اسرائیل اعلام کرده است که از مناطق دروزی‌نشین جنوب غربی سوریه حفاظت می‌کند. بسیاری از دروزی‌ها به دنبال خودمختاری از دمشق هستند؛ درحالی‌که برخی دیگر خواستار تشکیل کشور مستقل شده‌اند. علوی‌های مناطق ساحلی سوریه همچنان ناآرام هستند، به‌ویژه پس از قتل عام ماه مارس گذشته. علاوه براین گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه آنها در حال برنامه‌ریزی برای شورش مسلحانه با هدف استقلال هستند. آسیبی که بافت اجتماعی شکننده سوریه ناهمگن را از هم پاشیده است، جبران‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد.

ماه گذشته، سوریه در جریان سفر احمد الشرع به واشنگتن به ائتلاف بین‌المللی علیه داعش پیوست. از آن زمان، این کشور عملیات امنیتی مشترک را با نیروهای آمریکایی در مرکز سوریه هماهنگ می‌کند. هفته گذشته، یک نیروی مشترک در نزدیکی پالمیرا مورد حمله یک مهاجم مرتبط با داعش قرار گرفت و سه آمریکایی را کشت. این حمله یادآور تهدیدی بود که داعش برای ثبات سوریه و تلاش‌های الشرع برای اتحاد مجدد کشور ایجاد می‌کند.

▼ آرزوی دور از دسترس

بنابراین با توجه به این چالش‌ها، سوریه در موقعیتی نیست که طبق اظهارنظر تام باراک بتواند با لبنان ادغام شود. دهه‌ها پیش، فرانسه تحت فشار بریتانیا به سوریه و لبنان استقلال داد. پس از استقلال، سوریه یک سیستم پارلمانی دموکراتیک را اتخاذ کرد، درحالی‌که لبنان یک ساختار سیاسی مبتنی بر سازش و اجماع فرقه‌ای را به اجرا گذاشت. نخبگان سیاسی در لبنان توافق کردند سیستمی را ایجاد کنند که هم اتحاد با سوریه عمدتاً مسلمان و هم ادامه قیومیت فرانسه را که مورد علاقه اکثر مسیحیان بود، رد کند. ساختار سیاسی این کشور بر اساس مجموعه‌ای از تضادها، از جمله ترتیبات تقسیم قدرت فرقه‌ای، تسلط نخبگان بر منابع کشور و مداخله عمیق بازیگران خارجی، که تنش‌ها را بین اجزای فرقه‌ای آن بیشتر تشدید می‌کرد، بنا شده بود.

ایده ادغام مجدد لبنان و سوریه امروز، بیش از یک قرن پس از جدایی آنها، با واقعیت فاصله دارد. مردم لبنان همیشه بر سر هویت خود دچار اختلاف بوده‌اند، اگرچه شدت این اختلاف در سال‌های اخیر کاهش یافته است. سنی‌ها، به‌ویژه در دوران نزدیکی سوریه با مصر بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱، آرزوی اتحاد مجدد با سوریه را داشتند، اما در دوران پس از جنگ داخلی، با ایده جدید هویت لبنان کنار آمدند و آن را به عنوان تجسم آرمان‌های ملی خود پذیرفتند. در همین حال، شیعیان همچنان بین وابستگی خودبه لبنان و نزدیکی هویتی با انقلاب ایران دچار اختلاف‌نظر بوده‌اند. اما با وجود اختلافات سیاسی، اکثر لبنانی‌ها هیچ تمایلی برای پیوستن به یک کشور پان‌سوری ابراز نکردند.

بنابراین به سختی می‌توان تصور کرد که لبنان و سوریه بتوانند در یک کشور ادغام شوند. هرگونه انگیزه‌ای که در دهه ۱۹۵۰ برای اتحاد مجدد آنها وجود داشت، دیگر از بین رفته است. لبنان و سوریه، دو ملت با ویژگی‌های متمایز را پرورش داده‌اند که آنها را از نظر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از هم متمایز می‌کند. در طول چهار دهه گذشته، حزب‌الله خود را به عنوان یک بازیگر اصلی در ساختار سیاسی لبنان معرفی کرده است. برخی معتقدند که تضعیف حزب‌الله در جنگ سال گذشته با اسرائیل و خلع سلاح اجتناب‌ناپذیرش، لبنان را در مسیر بهبود سیاسی و اقتصادی قرار خواهد داد. علاوه بر این، استانداردهای زندگی در لبنان بسیار بالاتر از سوریه است. آزادی بیان و سیستم آموزشی به سبک غربی لبنان هیچ معادلی در منطقه اعراب ندارد. بنابراین، لبنانی‌ها، هر چقدر هم که دچار اختلاف باشند، همچنان در برابر هرگونه پیشنهادی برای ادغام با سوریه مقاومت خواهند کرد.

ترجمه: آر ایا صدیقی



هلال خشان

استاد دانشگاه آمریکایی بیروت

تام باراک، فرستاده ویژه ایالات متحده به سوریه و لبنان، خود را به عنوان یک دیپلمات مستقل تثبیت کرده و اظهارات جسورانه‌ای منتشر کرده که گاهی سیاستمداران خاورمیانه و ایالات متحده را خشمگین کرده است. در میان ادعاهای فراوان او، او استدلال کرده است که کشورهای خاورمیانه برای حکومت‌های سلطنتی مناسب‌ترند، اسرائیل دموکراسی نیست و بریتانیا و فرانسه با امضای توافقنامه ساییکس-پیکو در سال ۱۹۱۶، که اکولوژی اجتماعی و فرهنگی خاورمیانه را دستکاری کرد و کشورهای مصنوعی بدون پایه و اساس در عراق و سوریه بزرگ ایجاد کرد، روند تکامل در منطقه را مختل کردند. در اوایل این ماه، او به دولت لبنان حمله لفظی کرد و لبنان را یک کشور شکست‌خورده توصیف کرد و با توجه به پیشینه فرهنگی و سیاسی مشترک لبنان و سوریه، خواستار ادغام سوریه و لبنان در یک کشور شد. با این حال، این پیشنهاد بلندپروازانه با واقعیت مغایرت دارد.

▼ اصطکاک پایدار

در سوریه، بسیاری هنوز از تشکیل لبنان بزرگ جدا شده از خاک سوریه توسط فرانسه در سال ۱۹۲۰ عصبانی هستند. حافظ اسد، رئیس جمهور فقید سوریه، می‌گفت که سوری‌ها و لبنانی‌ها یک ملت در دو کشور هستند و او روابط سوریه با دولت لبنان را بر این اساس شکل داد. او لبنان را کشوری ناتوان از اداره خود می‌دانست و تلویحاً می‌گفت که سوریه باید مسئولیت سیاست‌های داخلی و خارجی خود را بر عهده بگیرد.

روابط بین لبنان و سوریه از زمان استقلال این دو کشور در دهه ۱۹۴۰ ملو از تنش بوده است. حتی ابراز مکرر و اغراق‌آمیز عمق روابط برادرانه لبنان و سوریه، نمی‌توانست شدت اصطکاک و سوءظن متقابل را پنهان کند. در باطن، سوری‌ها همیشه استقلال لبنان را که آن را بخشی از خاک خود می‌دانستند، رد کرده‌اند. وقتی حافظ اسد در سال ۱۹۷۱ رئیس جمهور سوریه شد، به دنبال تسلط بر سیاست لبنان بود و پس از آغاز جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ در این امر موفق شد اما افزایش فشار بر سوریه پس از ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر سابق لبنان، در سال ۲۰۰۵، ارتش سوریه را مجبور به خروج از لبنان کرد. آن‌هم سه دهه پس از استعمار غیررسمی لبنان توسط سوریه. شش سال بعد، جنگ داخلی در سوریه آغاز شد و این جنگ بار دیگر توانایی وقایع رخ داده در یکی از این کشورهای لبنان و سوریه را برای تأثیرگذاری بر دیگری نشان داد. پس از آغاز درگیری‌ها، پناهندگان سوری به سوی مرزهای لبنان سرازیر شدند، سنی‌های لبنان از قیام علیه بشار اسد، رئیس جمهور سوریه، حمایت کردند و حزب‌الله اعلام کرد که در حمایت از اسد به جنگ در سوریه می‌پیوندد.

سلسله اسد یک سال پیش فروپاشید، اما تنش‌ها بین لبنان و سوریه همچنان ادامه دارد. بازگشت سوری‌های آواره به کشورشان و تعیین مرز بین دو کشور، از مسائل اولویت‌دار لبنان است، درحالی‌که دمشق بر بازگرداندن زندانیان سوری که بدون محاکمه و در شرایط غیرانسانی در زندان‌های لبنان نگهداری می‌شوند، متمرکز است. دولت لبنان که با مخالفت‌های حزب‌الله روبه‌رو است، در خواست‌های دمشق برای آزادی ۲۰۰۰ زندانی سوری و لبنانی که از قیام ضد اسد حمایت می‌کردند را رد کرده است. دولت لبنان همچنان آنها را بدون محاکمه در بازداشت‌نگه داشته و روند قضایی درباره آنها بسیار کند است.

در واقع، تأخیرهای طولانی در محاکمه و بازداشت‌های طولانی‌مدت پیش از محاکمه، مشکلات جدی برای سیستم قضایی لبنان هستند. در بسیاری از موارد، مدت زمان رسیدگی به پرونده‌ها از احکام نهایی زندان بیشتر است. برخی از بازداشت‌شدگان سال‌ها در دادگاه مانده‌اند تا اینکه در نهایت تبرئه شدند. با این حال، رسیدگی به مسئله زندانیان نسبتاً قابل مدیریت‌تر از حل مسئله تعیین مرز با سوریه است. مرزهای مبهم و غیرقابل تشخیص بین لبنان و سوریه منجر به قاچاق کالا، عبور غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر و سلاح شده است. این مرزها همچنین ورود غیرمجاز سوری‌ها به لبنان برای اسکان و بالعکس را تسهیل کرده است. مردم لبنان ۲۳ روستای مرزی سوریه و ۱۲ مرزها را تصرف کرده‌اند. اکنون حداقل ۳۶ منطقه مرزی مورد مناقشه بین لبنان و سوریه وجود دارد. در طول جنگ سوریه، ساکنان این مناطق که دارای کارت شناسایی لبنانی بودند، به دلیل عدم وجود نیروهای امنیتی و مرزهای کنترل‌شده، از آزادی تردد بین دو کشور برخوردار بودند. پس از سقوط اسد، قاچاق ادامه یافت و منجر به درگیری‌های مرزی بین لبنان و سوریه شد.

صرف نظر از اینکه چه کسی در دمشق حکومت می‌کند، سوریه هرگز علاقه جدی به تعیین مرز نشان نداده است زیرا لبنان را بخشی از خاک خودش می‌داند. سوریه در سال ۱۹۹۴ با اکراره با تبادل هیئت‌های دیپلماتیک با لبنان موافقت کرد. البته مقامات سوری معمولاً با همتایان لبنانی خود با اغماض رفتار می‌کنند. اما رژیم جدید دمشق با وجود بیش از یک سال حضور در قدرت، از اعزام سفیر به بیروت خودداری کرده است.

وقتی قیام علیه سیاست‌های سرکوبگرانه اسد در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، بسیاری از سوری‌ها به لبنان گریختند. اگرچه هیچ آماری از تعداد سوری‌هایی که در لبنان اسکان داده شده‌اند وجود ندارد، اما تخمین‌ها از ۱/۵ میلیون تا ۲ میلیون نفر متغیر است؛ که برای کشوری مانند لبنان که جمعیتش از ۵ میلیون نفر تجاوز نمی‌کند، رقمی نگران‌کننده است. دولت احمد الشرع، رئیس جمهور موقت سوریه، تمایلی به تأیید بازگشت آنها نداشته است، زیرا جنگ داخلی طولانی‌مدت، اقتصاد سوریه را ویران کرده و بیشتر خانه‌های پناهندگان ویران شده است. اما